

## تاملی در مفهوم تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت یکی از اساسیترین فعالیت‌هایی است که در طی یک فرایند

نسل اول می‌کوشد تا قدرت آگاهی نسل بعد از خود را در همهٔ زمینه‌ها پرورش داده و آنها را برای برخورد با مسائل گوناگون آماده سازد.

تعلیم و تربیت یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌هایی است که در طی یک فرایند نسل

اول می‌کوشد تا قدرت آگاهی نسل بعد از خود را در همهٔ زمینه‌ها پرورش داده و آنها را برای برخورد با مسائل گوناگون آماده سازد. تعلیم و تربیت به

مثابهٔ جریانی است که باید در کنار آموزش دانش، قدرت تفکر را در فرد رشد دهد و تسلط او را بر محیط زندگی افزون کند. در آموزش و پرورش هم از علم صحبت می‌شود و هم از تفکر. هم پرورش عقلانیت مورد توجه است و هم از جنبه اجتماعی بودن انسان سخن به میان آمده است.

اهمیت تعلیم و تربیت تا بدانجا است که در جای جای قرآن مجید سخن از آن آمده است و متعالی‌ترین تربیت که همان تربیت الهی است بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

در طول تاریخ تغییر و تحولات بسیاری در نحوهٔ تعلیم و تربیت در جوامع متمدن صورت گرفته و تحت شرایط مختلف روش‌های متفاوتی اتخاذ شده

است. با سیر تکاملی تمدنها و تغییرات آرام فرهنگها بسته به شرایط خاص جامعه روشهای تعلیم و تربیت نیز تغییر یافته است.

در قدیم مفهوم تعلیم و تربیت انتقال مهارتها و معلومات بود و روش عمده در تدریس آنها سخنرانی یا مطالعهٔ کتابهای درسی به شمار می‌رفت و بعلت پیشرفت علوم مراکز دانشگاهی تمرکز خود را بر انتقال معلومات و اطلاعات معطوف کرده بودند. روش آموزش انتقال یکطرفهٔ استاد به شاگرد بود و کاوشگری در این سیستم جایی نداشت اما امروزه تحولات چشمگیری در روشهای تعلیم و تربیت در جهان مشاهده می‌شود. جهت این تحولات بسوی پژوهشگری و تحقیق خود کودک به پیش می‌رود. در روشهای نوین از انتقال صرف خودداری شده و پیشنهاد می‌شود ساعتهای بیشتری را در درس مختلف به کاوشگری اختصاص بدهند. این کار علاقهٔ دانش‌آموز را به فراگیری مطالب افزون می‌کند و به پرورش مهارتهای فکری او نیز کمک خواهد کرد. باید گفت پرورش تفکر خلاق و نقاد در کودکان اساس تعلیم و تربیت جدید است.

در طی فرایند پژوهش دانش از تحقیقات خود کودک بدست می‌آید و خلاقیت‌های او ظاهر می‌گردد. به تعبیر دکتر علی شریعتمداری «تعلیم و تربیت

خود، تحقیق است». در این فرایند نقش معلم هدایت جریان تحقیق است و مستقیماً در پژوهش دخالت نخواهد کرد.

محور کار در آموزش و پرورش جدید تفکر است و تفکر محور یادگیری قلمداد می‌شود. در آموزش و پرورش نوین به مسائل ظاهراً کم اهمیتی توجه می‌شود که می‌تواند در نهایت اثرات بزرگ و مهمی در یادگیری و ازدیاد علاقه کودکان داشته باشد. بطور مثال در مدرسه اریبیا در انگلستان بچه‌ها کفش‌های خود را در بدو ورود به مدرسه در می‌آورند تا مانند خانه احساس راحتی کنند و یا در بعضی مدارس دانش‌آموزان بدون کیف بمدرسه می‌روند و رنج هر روزه حمل کیف‌های سنگین را متحمل نمی‌شوند. در برخی از مدارس هم کلیه دروس بصورت داستانی به کودکان عرضه می‌شود تا با برانگیختن علاقه دانش‌آموز به جریان ارائه درس کمک شود و مطالب بهتر در ذهن کودک جای بگیرد. علاوه بر اینها تشویش و اضطراب دانش‌آموز به حداقل می‌رسد و میزان همدلی میان معلم و شاگرد به درجه بالایی افزایش می‌یابد. این موارد و موارد دیگر با پرورش قوه تفکر و ایجاد انگیزه و علاقه، یادگیری فعالانه را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد و حس جمعی گروه را نیز بالا می‌برد.

باید توجه داشت که تعلیم و تربیت فعلی کودک اساس کار آینده او را تشکیل خواهد داد. کودکان در جریان رشد روحی و جسمی خود دچار تغییرات تدریجی در رفتار، افکار، عادات، تمایلات و احساسات خود می‌شوند و این تغییرات می‌تواند مسائل و مشکلات خاصی را برای آنها فراهم سازد که گاه از حل آنها ناتوان است و عدم توجه به این نیازها و تغییرات می‌تواند سعادت آتی او را به مخاطره بیندازد. مربی باید با توجه به سن کودک، نیازهای او را تشخیص دهد با توجه به محیط اجتماعی و خصوصیات فرهنگی جامعه و جنبه‌های تربیتی به پرورش او بپردازد.

در این زمینه ذکر چند نکته به نظر مهم می‌رسد:

- ۱) برای رشد فکری و اخلاقی در کودکان می‌توان از بازیها و کارهای جمعی استفاده کرد.
- ۲) نقش معلم باید نقش راهنما و سرپرست باشد تا بچه‌ها فرصتهای بیشتری برای ارتقای اعتماد به نفس و قبول مسئولیت در همه زمینه‌ها را داشته باشند.
- ۳) اساس کار در دبستان بهتر است براساس تجربیات حسی باشد و تصورات و مفاهیمی که به ذهن کودک داخل می‌شود با واقعیت تطبیق کند.

۴) مربی باید توجه داشته باشد که رشد جریانی دائمی است و تجربیات قبلی دانش‌آموزان اساس تفکرات و درک آنها را تشکیل می‌دهد و در رفتار آینده آنها مؤثر است.

۵) کودکان باید نسبت به موضوع مورد یادگیری علاقه‌مند باشند و نسبت به یادگیری مطلب خاصی احساس نیاز کنند تا به فعالیت و تحقیق دست بزنند.

۶) به علت پیشرفت و توسعه وسایل ارتباطی ضروری است که افراد جامعه از جمله معلمان خود را برای برخورد با افکار مخالف آماده کنند و قدرت تحمل افکار دیگران را داشته باشند و بدور از تعصب به بررسی آراء و عقاید بپردازند و این نکته را به دانش‌آموزان نیز یاد بدهند.

۷) برخلاف نظر برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت که معتقدند هر تربیت صحیحی از راه تجربه بدست می‌آید این نکته حائز اهمیت است که تنها تجربیاتی منجر به تربیت صحیح می‌شود که آموزنده باشند و اثر سوء تربیتی نداشته باشند. تجربه باید مطبوع باشد و از طرفی باعث رشد تجربیات بعدی شود.

۸) برخی نیز معتقدند که تعلیم و تربیت همان رشد است در حالی که جهت رشد بسیار مؤثر است. اگر رشد در جهت منفی را در نظر بگیریم برخلاف

اصول تعلیم و تربیت است. رشد باید در جهت مثبت و تکامل پذیر باشد و

موجبات رشد بیشتری را فراهم کند.

## ۹) تربیت دینی

از مسائل بسیار مهمی است که کارشناسان غربی در بسیاری از موارد از نظر دور داشته‌اند. جنبهٔ هدایتی این تربیت می‌تواند به پرورش ارزشهای اساسی و قوای معنوی شخصیت انسان منجر شود. هدفهای معنوی و عقلانی مثل تقوی و پرهیزگاری می‌تواند به پرورش قوهٔ تفکر در کودکان و در نهایت به رشد آنها جهت بدهد.

## ۱۰) از نظر تعلیم و تربیت، آزاد

قرار دادن کودکان در سلامت و ارتقای روحیه و اعتماد به نفس آنها مؤثر است. کودکان بواسطهٔ آزاد بودن طبیعت خود را آشکار می‌سازند و در جریان یادگیری نیز بهتر عمل می‌کنند اما نکته مهم این است که این آزادی باید در چهارچوب عقل و خرد باشد به عبارت دیگر با راهنمایی عقل، عواطف و امیال کودکان کنترل شود. در این زمینه دین نقش مهمی در هدایت عقل و تحکیم مبانی عقلی دارد.

۱۱) نکته دیگری که در تعلیم و تربیت مهم است این است که اهداف تربیتی کاملاً واضح و مشخص شود و با تمایلات اشتباه نشود. در مدارس جدید در بعضی از مواقع پیروی از تمایل را با پیروی از اهداف اشتباه می‌گیرند و

بچه‌ها در هر کاری آزادند همانطور که در قدیم تمایلات درونی دانش‌آموزان نادیده گرفته می‌شد و به علایق دانش‌آموزان اهمیتی داده نمی‌شد. در تعلیم و تربیت صحیح آنچه مهم است این است که باید در چهارچوب اندیشه به علایق کودکان توجه کرد و این تمایلات را هدایت نمود تا تحت کنترل عقل به نتیجه و هدف واقعی برسند.

#### (۱) پرستش خدا

پرستش خدا بمعنی قدم نهادن در مسیر توحید است. مسیری که در تمام مراحل رشد فرد و جمع را تضمین می‌کند. مسیری که در آن بدیها طرد و ارزشهای والای انسانی تأیید می‌شود و عدالت خواهی و ایثار به تحقق می‌پیوندد. انسانی که خدا را می‌پرستد، اعمالش خلاف سعادت خود و جامعه می‌شود.

#### (۲) تعلیم حکمت

کلمه ُ حکمت بمعنی سخن منطقی است. آموزش سخنان منطقی از نظر تربیتی بسیار مهم است. برخی از اندیشمندان تعلیم و تربیت را عبارت از پرورش قدرت قضاوت درست و یا استدلال منطقی می‌دانند. مریبان به فرد کمک می‌کنند تا آنچه را منطقی است برگزینند و غیرمنطق را رد کنند. در حقیقت



تعلیم و تربیت از نظر اسلام کسب معلومات تازه نیست بلکه این تنها جزئی از تعلیم و تربیت است و آنچه مهم است بالا بردن قدرت تمییز حق و باطل و یا قضاوت صحیح در بین افراد جامعه است و لازمهٔ رشد قضاوت صحیح بالا بردن قدرت نقد سازنده در افراد می باشد.

۳) پرورش روح عدالتخواهی

عدالت از ارکان اساسی جامعه اسلامی است و باعث سلامت آن، در جامعه‌ای که عدالت حاکم است هرکس به کار و کوشش بیشتری دل می بندد و اساس مالکیت در آن محترم شمرده می شود. و تمام اینها باعث رشد و ترقی جامعه است.

برای آموزش عدالت به دانش آموزان علاوه بر اینکه مربی باید خود عادل باشد، می توان آنها را به تمرینهای خاصی واداشت تا عملاً مفهوم عدالت را درک کنند.

۴) تکامل انسان

انسان ماهیّتاً با دیگر موجودات متفاوت است. جنبه‌های معنوی انسان بسیار متمایز و والا است انسان بذات خود نه گناهکار است و نه نیکوکار بلکه مستعد

کسب فضایل و رذایل است و این دیدگاه انسان را ملزم می‌کند که به تکامل معنوی بیندیشد و در آن قدم بگذارد.

#### (۵) استقلال و مسئولیت فرد

از ویژگیهای نظام تربیتی اسلام مستقل بار آوردن فرد است و اینکه انسان مسئول اعمال خویش است. «هرکس ذره‌ای کار نیکو انجام دهد پاداش می‌بیند و هرکس ذره‌ای عمل زشت انجام دهد مجازات می‌شود» رشد و فساد جامعه بدست خود انسانها است.

اسلام رفتار انسان را متغیر می‌داند و افراد را مسئول اعمال خویش می‌داند و تغییرات اجتماعی را نیز نتیجه تغییر رفتار افراد می‌داند.

#### (۶) پرورش نیروی تفکر

در اسلام هیچ عبادتی مانند تفکر با ارزش نیست و هیچ علمی نیز به پای تفکر نمی‌رسد.

(۷) پرورش روح اجتماعی و شخصیت اخلاقی، برادری، همکاری و دوستی با دیگران.

۸) احترام به انسانها و ایمان به صلاحیت مردم از دیگر ویژگیهای نظام تربیتی اسلام است.

«گرامیترین شما نزد خدا باتقویترین شماست.» ملاک احترام به انسانها جنس، نژاد، ملیت و دیگر چیزها نمیباشد بلکه ملاک تقوی و فضیلت‌های اخلاقی انسانهاست.

اسلام به مردم احترام می‌گذارد و نظر آنها را در امور مهم می‌داند. در قرآن بارها به شور و مشورت اشاره شده است و به پیامبر دستور داده شده که در امور با مردم مشورت کن.

منبع:

سایت اطلاع رسانی آفتاب:

[www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)